

جواب اعتراضیه منظوم محترم آقای معروفی

نگفتم این کهن ویرانه را معمار اوباما است
نگفتم آرزوهای فرو پاشیده ما را
نگفتم آسمان صلح را خورشید تابان است
نگفتم چون ملک اطوار و کردار دگردار
نگفتم در زد و بندی که دامنگیر این دنیا است
نگفتم در قطار خواب غفلت رفتگان امروز
نگفتم این جوان درکارها حلال مشکلهاست
به بحر بی کران حادثات تلخ امریکا
نگفتم داربازیهای [بوش] بگذشت و بعد از این
فقط گفتم که ما غمدیده گان کره خاکی
به تقریب جنون [بوش] که با عالم سرکین داشت
نکردم وصف این عالیجناب از روی مداحی

نگفتم در میان سروران ، سالار اوباما است
کسی که می برآرد ساده و بیخار اوباما است
گزارد نقطه پایان به این کشتار اوباما است
زخوبیهای عالم جمله برخوردار اوباما است
رهائی بخش مردم زینهمه ادبار اوباما است
برای رفع درد مردمان بیدار اوباما است
که خود در مشکلات بیحد و بسیار اوباما است
خراب ودست و پاگم کرده و [باسار] اوباما است^[۱]
میان سربداران جهان سردار اوباما است
اگر بر سر نریزد خاک ذلتبار اوباما است
اگر بی کینه دارد جلوه ، یکمقدار اوباما است
فقط دیدم پس از این کُشت و خون ناچار اوباما است

[اسیر] از طرز گفتارش در امریکا یقینم شد

که با آسرار اوباما است و با اصرار اوباما است

[۱] باسار = در اصطلاح سرخورده و سرگردان